

نقد

اقتصاد سیاسی

دیدگاه مائوتسه دون درباره‌ی استالین و کمینترن



ترجمه: مهدی گنجوی

آذرماه ۱۳۹۵

نقد اقتصاد سیاسی

نظر مائوتسه دون درباره‌ی سیاست کمینترن و استالین در زمینه‌ی چینⁱ

در این جا برای اولین بار سندی از مرکز مخزن اسناد مدرنⁱⁱ منتشر می‌شود که شامل رونوشت کامل مکالمه‌ای است که پی اف یودین،ⁱⁱⁱ سفیر شوروی در چین، با مائوتسه دون در ۳۱ مارچ ۱۹۵۶ داشته است. دلایل متعددی وجود دارد که چرا این سند امروز برای ما حائز اهمیت است. ما می‌دانیم که رهبری حزب کمونیست چین، شامل مائوتسه دون، پیش از این چند بار کوشیده بود تا ارزیابی‌های اشتباه کمینترن و استالین را در سیاست‌شان نسبت به چین تحلیل کند. این مسأله در کمپین «اصلاح سبک کار حزب» (zhengfeng)، که حزب کمونیست چین بین ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ در پیش گرفت، محوریت داشت. این نقد سیاستی را که کمینترن و استالین بین ۱۹۳۱ و ۱۹۳۵ نسبت به چین اتخاذ کردند نشانه گرفته بود. در آن زمان، این انتقاد زیر نقد آنچه «خط وان مین» خوانده می‌شد پنهان شده بود. در عین «واضح» بودن منظور، اما هیچ اسمی از استالین یا کمینترن به‌طور علنی آورده نمی‌شد. نسخه‌ی رسمی تاریخ حزب کمونیست چین، که شامل انتقاد از «خط وان مین» در طول نیمه‌ی اول دهه‌ی ۱۹۳۰ نیز بود، در فرمان معروف «برخی جنبه‌ها از تاریخ حزب کمونیست چین» توسط هفتمین گردهم‌آیی پلنوم کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست چین پذیرفته شد و هفتمین کنگره‌ی حزب کمونیست چین در ۱۹۴۵ بر آن صحنه گذاشت.^۱ تا این زمان هم محتوای نقد از «خط وان مین» و هم سندی که پیش رو دارید به مسکو رسیده بود: پرونده‌های دپارتمان بین‌الملل کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست شوروی چندین نسخه از این تصمیم و متن نهایی آن را داشتند. با این حال، این انتقاد با هیچ بازخورد رسمی در مسکو مواجه نشد. انتشار ترجمه‌ی کمی تغییر یافته‌ی این سند در جلد چهارم منتخب آثار مائوتسه دون در اتحاد شوروی در واقع نشان داد که مسکو برای پذیرش انتقاد از «خط وان مین» آماده است، به این شرط که اصلی‌ترین نیروهای پشت این خط – رهبری کمینترن و استالین – مطلقاً مورد اشاره قرار نگیرند.

بعدها، در اواخر دهه‌ی ۱۹۴۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۵۰ مائوتسه دون در جلسات رهبری چین در پشت درهای بسته مکرر سیاست استالین و کمینترن را، شامل برخی تصمیم‌های استالین درباره‌ی چین و حزب کمونیست

ⁱ توضیح مترجم: این سند و مقدمه‌ای که در ابتدای آن آمده است از روی ویرایش ای گریگوریف و ت زازرسکایا ترجمه شده است. این ویرایش در شماره ۴ و ۵، مجله *Affairs Eastern Far* سال ۱۹۹۴ صفحات ۱۴۴–۱۳۲ منتشر شده است.

لازم به توضیح است که در این ترجمه زیرنویس‌ها حاوی لغت انگلیسی در متن اصلی است و توسط مترجم آورده شده است، در حالی که پانویس‌های انتهای متن ترجمه از روی ویرایش انگلیسی این سند هستند.

ⁱⁱ Modern Documents Depository Centre

ⁱⁱⁱ P.F. Yudin

چین، نقد کرد. مائوتسه دون علیه برخی جنبه‌های سیاست استالین در طول سفر نیکیتا خروشچف به پکن در ۱۹۵۴ آشکارا سخن گفت.

رونوشتی که در پی می‌آید قابل توجه است چرا که این اولین باری بوده است که یک نماینده رسمی مسکو بایستی با اصلی‌ترین جنبه‌های رویکرد انتقادی چین به سیاستی که کمینترن و استالین بین دهه‌ی ۱۹۲۰ و دهه‌ی ۱۹۵۰ درباره‌ی چین اتخاذ کردند مواجه می‌شد.

تحلیل سیاست استالین و نقش او به‌طور کلی، که در طول این مکالمه صورت گرفته است، بازتاب دهنده‌ی یک فاز از درک همه‌جانبه از تاریخ روابط بین حزب کمونیست چین و کمینترن، بین حزب کمونیست چین و حزب کمونیست اتحاد شوروی، نیز کوششی برای رویکرد مناسب نسبت به روشی است که همه‌ی این موارد بایستی در تبلیغات حزبی، در مطبوعات عمومی و در ادبیات تاریخی و حزبی در جمهوری خلق بعد از کنگره‌ی بیستم حزب کمونیست شوروی و آشنایی رهبران حزب کمونیست چین با «گزارش مخفی» خروشچف به کنگره درباره‌ی استالین بازنمایی می‌شد.

بعدها، برخی از اظهارنظرها و اشاراتی که مائوتسه دون در مارس ۱۹۵۶ درباره‌ی نقش استالین و برخی تصمیمات او درباره‌ی چین ارائه کرد براساس اولویت‌های متغیر سیاسی توسط دستگاه تبلیغات چین مورد تفسیر قرار گرفت. با این حال اصلی‌ترین ایده‌هایی که مائوتسه دون درباره‌ی نقش سیاست‌های استالین درباره‌ی چین در این مکالمه فرمول‌بندی کرد، چه در دوره‌ی زندگی مائوتسه دون و چه پس از مرگ او، در ادبیات حزبی و تاریخی در جمهوری خلق چین تثبیت شد.

همان‌طور که می‌بینیم، بنا به نظر مائوتسه دون بزرگ‌ترین اشتباه در سیاست استالین نسبت به چین دست کم گرفتن ظرفیت حزب کمونیست چین و زیاد برآوردن کردن قدرت گومیندان بوده است. این سوءتفسیر اولین بار در طول دهه‌ی ۱۹۲۰ و دوباره در دهه‌ی ۱۹۴۰ رخ داد. وقتی که حزب کمونیست چین و حزب کمونیست شوروی شروع به جدل علنی کردند، مورخان چینی این تز را فعالانه مطرح کردند. اکثر تحلیل‌گران چینی متکی بر این تز به توصیف سیاست کمینترن درباره‌ی چین در طول انقلاب ملی ۱۹۲۷-۱۹۲۵ و سیاست اتحاد شوروی در قبال چین در طول دهه ۱۹۴۰ دست زدند.

البته، بین روشی که مورخان چینی سیاست دهه‌ی ۱۹۲۰ استالین نسبت به چین را توصیف می‌کنند با جویری که سیاست ۱۹۴۰ وی را توصیف می‌کنند تفاوت زیادی وجود دارد. تفسیر سیاست استالین (و کمینترن) نسبت به چین در دهه‌ی ۱۹۲۰ مبتنی بر مدارک مشخصی است که پیش از این منتشر شده‌اند. اما درباره‌ی دهه‌ی ۱۹۴۰، بررسی سیاست‌های استالین یا مبتنی بر ارجاع نامحسوس به تلگرام‌های شخصی و «دستورالعمل‌ها» است و یا، در کم‌ترین حالت مبتنی بر بریده‌های کوتاهی از تلگرام‌های مسکو خطاب به کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست چین است؛ بریده‌هایی که بیشترشان از متن خود خارج گشته و حاوی تاریخ دقیق نیستند.

یکی از نکات برجسته و بی‌چون و چرای این سند روایت مائوتسه دون از مذاکرات چین - شوروی ست که در طول دیدار او از مسکو در اواخر ۱۹۴۹ و اوایل ۱۹۵۰ برگزار شد، و عقیده‌ی او نسبت به رویکرد شخصی استالین به او. این جا بایستی گفت که این اپیزود مهم از روابط شوروی - چین و سیاست استالین نسبت به چین هنوز نه توسط ادبیات تاریخی شوروی و نه چین مبتنی بر اسناد تحلیل نشده است. به‌طور کلی می‌توانیم نتیجه بگیریم آن مورخانی که در این دو کشور دسترسی بهتری به اسناد اصلی برای تحلیل همه‌ی این سوژه‌ها و مشکلات دارند، هنوز نتوانسته‌اند به‌طور جدی به جنبه‌های علمی این مشکلات بپردازند چرا که بسیاری از اسناد حیاتی هنوز در اختیار آن‌ها قرار نگرفته است. غیاب اطلاعات حقیقی به حدس و گمان‌های بی‌اساس و خاطرات سطحی یا جانبدارانه منجر می‌شود.

نویسندگان این سطور امیدوارند که چاپ این سند یک بار دیگر به توجه عموم به لزوم بررسی دقیق مسأله‌ی «استالین و چین» بر مبنای اسناد و شواهد منجر شود.

املای اسامی چینی به‌روز شده است.

از دفتر خاطرات پی. اف. یودین

فوق محرمانه. کپی اصل

۵ آوریل ۱۹۵۶

شماره ۲۸۹

رونوشت مکالمه با رفیق مائوتسه دون

۳۱ مارس ۱۹۵۶

امروز من با مائوتسه دون ملاقات کردم و نامه‌های رفیق خروشچف را درباره‌ی کمک شوروی در زمینه‌های (۱) احداث ۶۱ شرکت اقتصادی و سه انستیتو تحقیقات نظامی و (۲) ساختن یک خط راه آهن که ارومچی را به مرز چین و شوروی متصل می‌کند، به او دادم. مائوتسه دون از من خواست تا قدردانی صمیمانه‌ی او را به کمیته‌ی مرکزی CPSU^{iv} و حکومت شوروی برسانم.

پس از آن به مائوتسه دون گفتم که می‌خواهم بلافاصله پس از مراجعتم به پکن با او دیدار داشته باشم و با او درباره‌ی عملکرد بیستمین کنگره‌ی CPSU صحبت کنم، به‌خصوص درباره‌ی گزارشی که رفیق خروشچف در یک جلسه‌ی پشت درهای بسته درباره‌ی کیش شخصیت داد. مائوتسه دون پاسخ داد که ناگزیر است این دیدار را به تعویق بیندازد چرا که حال خوشی ندارد. مائوتسه دون گفت که اعضای نمایندگی حزب کمونیست چین در کنگره درباره‌ی عملکرد آن به او توضیح مختصری داده‌اند و یک کپی از گزارش رفیق خروشچف درباره‌ی کیش شخصیت را برای او آورده‌اند. این گزارش به چینی ترجمه شده است و او با محتوای آن آشنا شده است.

همین طور که ما درباره‌ی اشتباهات استالین صحبت می‌کردیم، مائوتسه دون اشاره کرد که اگرچه خط استالین نسبت به چین اساسا درست بود، اما در دوره‌هایی استالین اشتباهات جدی‌ای مرتکب شد. استالین در ۱۹۲۶ درباره‌ی توانایی انقلابی گومیندان^v اغراق کرد و آن را به‌عنوان اصلی‌ترین نیروی انقلابی در چین ستود. در ۱۹۲۶، استالین کمونیست‌های چینی را رهنمود داد تا به گومیندان نزدیک‌تر شوند، و آن را به‌عنوان جبهه‌ی متحد نیروهای انقلابی چین در نظر بگیرند. استالین گفت که کمونیست‌ها باید حول گومیندان تجمع کنند و از این حزب پیروی کنند، در نتیجه پیشنهاد داد که حزب کمونیست چین خودش را تابع گومیندان کند. این

^{iv} Communist Party of Soviet Union [حزب کمونیست اتحاد شوروی]

^v Guomindang

اشتباهی بزرگ بود که کار مستقل CPC^{vi} را در بسیج توده‌ها و در جذب آن‌ها به سوی حزب کمونیست تحلیل برد.

مائوتسه دون در ادامه گفت استالین، که پس از مرگ لنین به‌طور کامل کمینترن را در کنترل داشت، از طریق کمینترن دستورالعمل‌های متعدد اشتباهی را به کمیته‌ی مرکزی CPC می‌فرستاد. این دستورالعمل‌های پراشتباه و کژاندیشانه نتیجه‌ی بی‌توجهی استالین به کمیته‌ی مرکزی CPC بود. آن زمان وان مین مقام رسمی کمینترن بود و در طول دیدارهای متداولش با استالین طبق گرایش خودش به او درباره‌ی وضع امور در CPC اطلاعات اشتباه می‌داد.^۲ استالین ظاهراً وان مین را تنها سخنگوی کمیته‌ی مرکزی CPC می‌دانست.

وان مین و لی لیسان،^۳ که CPC را در کمینترن نمایندگی می‌کردند، کوشش می‌کردند تا کنترل کامل را بر CPC به دست بیاورند، و هر کس که اشتباهات آن‌ها را نقد می‌کرد به عنوان فرصت‌طلب کنار بزنند. مائوتسه دون گفت که آن‌ها او را یک فرصت‌طلب راستگرا و یک امپرسیست کوته‌ذهن می‌خواندند. رفیق مائوتسه دون یک مورد از رویکرد اشتباه کمینترن نسبت به حزب کمونیست چین را مثال آورد.

به بهانه‌ی این که سومین گردهم‌آیی پلنوم^{vi} کمیته‌ی مرکزی CPC - که اشتباهات اراده‌گرایانه‌ای که لی لیسان مرتکب شد را بررسی کرده بود، نتوانسته کاملاً آن‌ها را نقد و اصلاح کند، کمینترن سه - چهار ماه بعد به دو تن از کارکنان خود، میف^۴ و وان مین^۵ مسئولیت داد تا چهارمین گردهم‌آیی پلنوم کمیته‌ی مرکزی را برگزار کنند. هرچند، در واقع تصمیماتی که چهارمین گردهم‌آیی پلنوم تحت فشار میف و وان مین گرفت حتی از خطی که لی لیسان در پیش داشت نیز چپ‌تر بودند. آن‌ها بر لزوم پیشروی به سمت شهرهای بزرگ و محاصره‌ی آن‌ها به جای جنگ در مناطق روستایی تأکید داشتند. تصمیمات چهارمین گردهم‌آیی پلنوم اجازه‌ی روش‌های افراطی چون تصفیه‌ی تجار خرده‌بورژوا و در نتیجه کل تجارت خرد در مناطق تحت کنترل شورا که تحت محاصره‌ی گومیندان بود را صادر کرد. در نتیجه‌ی این سیاست، ارتش سرخ چین که در ۱۹۲۹ شامل ۳۰۰۰۰ نظامی می‌شد در ۳۵-۱۹۳۴ به ۲۵۰۰۰ کاهش یافت و مناطق تحت کنترل شورا در چین ۹۹ درصد کاهش یافت. نهادهای CPC در شهرها توسط گومیندان از بین رفتند و تعداد کمونیست‌ها از ۳۰۰۰۰۰ عضو به ۲۶۰۰۰ کاهش یافت. مناطق تحت کنترل شورا به‌طور کامل از سایر بخش‌های کشور جدا شدند و بدون کالا، حتی نمک، ماندند. همه‌ی این موارد مردمی را که در مناطق تحت کنترل شورا می‌زیستند به‌طور جدی عصبانی کرد.

در نتیجه‌ی سیاست چپ‌روانه‌ی وان مین تنها مناطق مهمی که هنوز تحت کنترل کمونیست‌ها بودند در شمال چین بودند (استان‌های شنکسی، گانسو و نینگژیایا)، استان‌هایی که خارج از دسترس وان مین قرار داشتند.

^{vi} Communist Party of China [حزب کمونیست چین]

^{vii} The Third Plenary Meeting

او، با عمل زیر لوای کمیترین، در واقع هر آنچه توانست کرد تا ارتش‌های هشتم و چهارم را از کنترل CPC خارج کند.

وان مین و پیروانش گومیندان را یک «نیروی جوان»^v می‌دانستند که می‌تواند بهترین جنبه‌های ملت را در خود جذب کرده و بر ژاپن پیروز شود. آن‌ها علیه سیاست استقلال^{viii} حزب کمونیست، قوی کردن نیروهای مسلح حزب کمونیست و پایگاه‌های انقلابی آن بودند و می‌خواستند همه‌ی اقشار جامعه چین را از تجمع پیرامون حزب کمونیست منع کنند. فرقه‌ی وان مین می‌کوشید تا برنامه‌ی اصیل انقلابی^x ۱۰ ماده‌ای CPC را با برنامه‌ی شش ماده‌ای که توسط خود وان مین نوشته شده بود جایگزین کند، هرچند که در واقع یک برنامه‌ی شکست‌خورده بود. وان مین در حالی که مهم‌ترین نیروی پشت سر پیشبرد برنامه‌ی خودش بود از اسم کمیترین و استالین به‌عنوان پوشش بهره می‌برد.

همراهان وان مین، با بهره بردن از اکثریتی که در دفتر جنوبی^{ix} خود در کمیته‌ی مرکزی CPC، در ووهان،^y داشتند، دستورالعمل‌های اشتباهی را به ارتش و استان‌ها می‌فرستادند. مائوتسه دون به من گفت که برایش خیلی غیرمنتظره بود وقتی فهمید که حتی در ینان به دستور وان مین، شعارهای CPC بر در خانه‌ها، با شعارهایی که خواست «اتحاد نزدیک با گومیندان»، و مانند آن را اعلام می‌کرد جایگزین شده است.

در نتیجه‌ی یک مبارزه‌ی جدی ایدئولوژیک و کار قابل توجه تبلیغاتی که در پی کنگره‌ی هفتم حزب کمونیست،^z به‌خصوص در طول چهار سال گذشته، صورت گرفت اکثر کمونیست‌هایی که انحراف به راست یا چپ داشتند اشتباه خود را پذیرفتند. وان مین هم نامه‌ای نوشت و از اشتباهات خود در کنگره‌ی هفتم سلب حمایت کرد، تنها برای این که آن اشتباهات را دوباره بعدتر تکرار کند. مائوتسه دون گفت که کل اقدامات گذشته‌ی وان مین، که تحت نظارت کمیترین و استالین بودند، آسیب جدی به انقلاب چین تحمیل کرد.

مائوتسه دون با توصیف اقدامات کمیترین به طور کل، اشاره داشت که کمیترین در طول حیات لنین نقشی خیره‌کننده از طریق تحکیم نیروهای کمونیستی، تثبیت و تقویت احزاب کمونیست در کشورهای مختلف و مبارزه با فرصت‌طلبان انترناسیونال دوم داشت. با این حال این دوره از اقدامات کمیترین عمر کوتاهی داشت. بعداً «فعالینی»^x چون زینوویف،^q بوخارین،^r پیاتنیتسکی^s و دیگران برای کار به کمیترین آمدند که در هر چه که به چین مربوط می‌شد بیشتر از کمیته‌ی مرکزی CPC به وان مین اعتماد داشتند. یک تغییر مشخص در دوره پایانی کار کمیترین، به‌خصوص وقتی دیمیتروف^t در آنجا کار می‌کرد، رخ داد چرا که او به ما متکی بود و به کمیته‌ی مرکزی CPC اعتماد داشت و نه به وان مین. هرچند در طول آن دوره کمیترین اشتباهات متعددی انجام داد، برای مثال، انحلال حزب کمونیست لهستان و غیره. مائوتسه دون گفت، در نتیجه ما می‌توانیم

viii Independent policy

ix Southern Bureau

x activists

سه دوره را در کار کمیترین مشخص کنیم، دومی، که طولانی‌تر از همه بود، برای انقلاب چین از همه مضرتر بود. متأسفانه، در طول این دوره بود که کمیترین توجه خودش را بر شرق متمرکز کرد. مائوتسه دون اشاره داشت، ما دلایل بسیار داریم که شکست انقلاب چین در آن زمان، در کنار دلایل دیگر، نتیجه رفتار سرگردان و کژ کمیترین بود. مائوتسه دون گفت رک باید بگویم که ما از اینکه تدریجاً کمیترین منحل شد خوشحال بودیم. مائوتسه دون گفت، بعدها استالین به همین اندازه در ارزیابی خود از شرایط در چین و چشم‌اندازهای آینده‌ی انقلاب ما نیز بر اشتباه بود. مانند قبل، او بیش‌تر از حزب کمونیست، به گومیندان باور داشت. در ۱۹۴۵، استالین بر صلح با ژیانگ ژیشی، بر یک جبهه‌ی مشترک با گومیندان و تأسیس یک «جمهوری دموکراتیک» در چین پافشاری داشت. بنا به دلایل افشانشده، کمیته‌ی مرکزی CPC در ۱۹۴۵ یک تلگرام مخفی از حزب کمونیست شوروی (در واقع از استالین) دریافت کرد که اصرار داشت مائوتسه دون به چونگ کوئینگ برود^{۱۳} و با ژیانگ ژیشی^{۱۴} صحبت کند. کمیته‌ی مرکزی CPC علیه این سفر بود و از فتنه‌ی احتمالی ژیانگ ژیشی می‌ترسید. مائوتسه دون گفت، با این حال او گزینه‌ی دیگری نداشت چرا که این کاری بود که استالین از او می‌خواست انجام دهد. در ۱۹۴۷، وقتی که مبارزه‌ی مسلحانه علیه ژیانگ ژیشی در اوج خود بود، وقتی که نیروهای کمونیست چینی در حال پیروزی در جنگ بودند، از آن‌جا که استالین نیروهای انقلابی چینی را دست کم گرفته بود اصرار کرد که یک توافق صلح با ژیانگ ژیشی امضا کنیم.^{۱۵} استالین حتی تا مدتی پس از شکل‌گیری جمهوری خلق پس از آن که انقلاب در چین پیروز شده بود به آن مشکوک باقی مانده بود. تردید استالین به احتمال زیاد به سبب حوادث یوگسلاوی بود. مائوتسه دون با میزانی ناراحتی گفت، در آن زمان زیاد این حرف زده می‌شد که حزب کمونیست چین ممکن است راه یوگسلاوی را دنبال کند و این که مائوتسه دون «تیتوی چینی» است. من به مائوتسه دون گفتم که چنین حرفی هیچ‌گاه در حزب ما بیان نشده است.

مائوتسه دون ادامه داد مطبوعات بورژوازی در سرتاسر جهان، به‌خصوص سوسیالیست‌های جناح راست، ایده‌ی «راه سوم چین» را با آغوش باز تبلیغ کردند. مائوتسه دون اشاره کرد استالین آن زمان باور ناچیزی به کمونیست‌های چینی داشت، هم‌زمان با این که بورژوازی و اعضای حزب کارگر خیالات خامی درباره‌ی «سوگیری چین به سمت یوگسلاوی» داشتند، و ژیانگ ژیشی تنها کسی بود که با صدای بلند از مائوتسه دون «دفاع» می‌کرد، و قدرت‌های کاپیتالیستی را برمی‌انگیخت تا به مائوتسه دون اعتماد نکنند چرا که «او هرگز رویه‌ی خودش را عوض نمی‌کند» و غیره. مائوتسه دون گفت که او رویکرد ژیانگ ژیشی را می‌فهمید چرا که ژیانگ به‌خوبی کمونیست‌های چینی را می‌شناخت و پیش از این بارها با آنها چهره به چهره شده و جنگیده بود. مائوتسه دون ادامه داد که بی‌اعتمادی استالین به CPC یک‌بار دیگر در طی ملاقات مائوتسه دون از اتحاد شوروی رخ نمود. یکی از اصلی‌ترین اولویت‌های ما در آن دیدار امضای یک موافقت‌نامه بین چین و شوروی در زمینه‌ی مودت، همکاری و همیاری دوطرفه بود. خلق چین از ما می‌پرسیدند آیا باید بین اتحاد شوروی و چین

جدید معاهده امضا کنیم یا نه، چرا موافقت‌نامه بین گومیندان از نظر حقوقی هنوز پابرجا بود،^{۱۶} و مانند آن. این معاهده برای ما حیاتی بود چرا که چشم‌اندازهایی برای پیشرفت آتی جمهوری خلق چین در برداشت. مائوتسه دون گفت در طول اولین دیدار با استالین من پیشنهاد دادم که یک معاهده‌ی دولتی امضا کنیم، اما استالین از پاسخ مستقیم طفره رفت. در دیدار دوم من دوباره این موضوع را پیش کشیدم و تلگرامی را از طرف کمیته‌ی مرکزی CPC به استالین نشان دادم که حاوی درخواست مشابهی برای یک قرارداد بود. من پیشنهاد دادم که ما چوئن لای را برای امضای قرارداد به مسکو دعوت کنیم چرا که او وزیر امور خارجه بود. استالین این پیشنهاد را به بهانه‌ای تبدیل کرد و گفت که «این کار درست نیست چرا که مطبوعات بورژوا فریاد بر خواهند کشید که کل حکومت چین در مسکو است.» بعداً استالین کوشید از دیدار با من طفره برود. من به آپارتمان‌ش زنگ زدم، اما به من گفتند که استالین خانه نیست و این که چرا به دیدار میکویان^{۱۷} نمی‌روم. مائوتسه دون گفت، من از این کارها متاثر شدم و در نتیجه تصمیم گرفتم که دیگر هیچ کاری نکنم و وقتم را به استراحت در ساختمان متعلق به کشورم بگذرانم. بعد از آن مکالمه‌ای ناخوشایند با کولف^{۱۸} و فدورنکو^{۱۹} داشتم که پیشنهاد دادند که برای سفر به اطراف کشور بروم. من صراحتاً این پیشنهاد را رد کردم و گفتم که ترجیح می‌دهم «که در همین کنج خودم بخوابم.»

مائوتسه دون ادامه داد، مدتی بعد آنها پیش‌نویس مصاحبه‌ی من با روزنامه^{۲۰} را که توسط استالین امضا شده بود به من دادند. طبق این سند مذاکراتی در مسکو در حال انجام بود تا یک معاهده بین شوروی - چین امضا شود. تا همین جا هم قدم بلندی رو به جلو بود. مائوتسه دون گفت که به احتمال زیاد استالین نظرش را با عنایت به این که هند و بریتانیای کبیر جمهوری خلق را در ژانویه ۱۹۵۰ به رسمیت شناختند تغییر داد. مدت کوتاهی پس از آن، مذاکرات آغاز شد و در آن ملنکوف،^{۲۱} مولوتوف،^{۲۲} میکویان، بولگانین،^{۲۳} کاکانویچ^{۲۴} و بریا^{۲۵} حضور داشتند. در طول مذاکرات کوششی به ابتکار استالین آغاز شد تا راه‌آهن چین را زیر صلاحیت اختصاصی اتحاد شوروی قرار دهند. هرچند، بعدتر تصمیم گرفته شد که راه‌آهن یک عملیات مشترک باشد. غیر از این، جمهوری خلق پایگاه دریایی لوشان را به اتحاد شوروی اجاره داد و چهار سرمایه‌گذاری مشترک در چین تأسیس شد. مائوتسه دون گفت، به ابتکار استالین دنگ‌بی^{xi} و ژین‌ژیانگ^{xi i} در واقع منطقه‌ی تحت نفوذ شوروی گشتند. استالین اصرار داشت که تنها شهروندان چینی و شوروی اجازه دارند در این مناطق زندگی کنند. اتباع کشورهای خارجی، برای مثال، چک‌ها، لهستانی‌ها و انگلیسی‌ها، که به‌طور دائم در این مناطق مستقر بودند بایستی نقل مکان می‌شدند. یک و نیم میلیون کره‌ای که در آن زمان در دنگ‌بی زندگی می‌کردند تنها گروه قومی بودند که استالین به آن‌ها اشاره نکرد. مائوتسه دون گفت که برای کمونیست‌های چینی این تقاضاهای استالین قابل درک نبود. همه‌ی اینها به نفع مطبوعات بورژوا و نمایندگان دولت‌های کاپیتالیست شد. مائوتسه

^{xi} Dongbei

^{xii} Xinjiang

دون ادامه داد، در واقع طرف‌های در حال مذاکره بر سر این معاهده به سختی مذاکره می‌کردند. کلّ جوّ بسیار زنده بود و یک بار دیگر بی‌اعتمادی و تردید استالین را نسبت به حزب کمونیست چین نشان می‌داد.

مائوتسه دون گفت، ما خوش‌حالیم اشاره کنیم که راه‌آهن و لوشان به چین برگردانده شده‌اند و سرمایه‌گذاری‌های مشترک متوقف شده است.^{۲۶} در این‌جا مائوتسه دون اشاره کرد که خروشچف در مذاکرات حضور نداشت و نقش بولگانین نیز حداقلی بود.

بی‌اعتمادی استالین به CPC در حوزه‌های دیگر هم خودش را نشان داد، شامل پیام رسوای کووالف درباره‌ی احساسات ضد شوروی در بین رهبری CPC.^{۲۷} استالین با دادن این سند به کمیته‌ی مرکزی CPC ظاهراً می‌خواست بر بی‌اعتمادی و تردید خود تأکید کند.

مائوتسه دون گفت، در طی توقّف در مسکو من به طور مشخص از این تردیدها آگاه شدم، و در نتیجه از رهبران شوروی خواستم تا یک نماینده‌ی مارکسیست از کمیته‌ی مرکزی CPSU بفرستند تا با شرایط واقعی در چین، کارهای نظریه‌پردازان چینی، و هم‌زمان با نوشته‌های مائوتسه دون آشنا بشوند، چرا که نسخه‌ی چینی این آثار هنوز پیش از چاپ به تأیید نویسنده نرسیده بود در حالی که رفقای شوروی اصرار داشتند که آن‌ها را خلاف میل نویسنده‌شان منتشر کنند.

مائوتسه دون به من یادآوری کرد که در طول دیدار من (یودین) از چین او قویاً پیشنهاد کرد که من در طول کشور به سفر بپردازم. من به مائوتسه دون درباره‌ی مکالمه‌ای گفتم که با استالین و چند عضو دفتر سیاسی پس از بازگشتم از چین داشتم. استالین از من پرسید آیا رفقا در رهبری چین مارکسیست هستند. وقتی گفتم بله، استالین گفت: «خوب است! خیال ما می‌تواند راحت باشد. آن‌ها بدون کمک ما رشد کردند.»

مائوتسه دون اشاره کرد که خود این مسأله بی‌اعتمادی استالین به کمونیست‌های چینی را باز می‌نمایاند. اطلاعات تو (یودین) درباره‌ی سفر به چین و مشارکت داوطلبان چینی در جنگ کره به احتمال زیاد نقش مهمی در کاستن ترس‌های استالین درباره‌ی حزب کمونیست چین داشته است.

مائوتسه دون گفت، در نتیجه اگر ما از منظری تاریخی به انقلاب چین و رویکرد استالین به این انقلاب نگاه کنیم، می‌توانیم اشتباهات جدی که به طور خاص در سال‌های کمینترن خود را بروز داد مشاهده کنیم. پس از ۱۹۴۵، وقتی که کمونیست‌ها با ژیانگ ژیشی می‌جنگیدند، استالین با زیاد برآورد کردن قدرت گومیندان و کم برآورد کردن نیروهای انقلابی چینی کوشید تا طرف‌های منازعه را آرام کند و تحولات انقلابی را مهار کند. حتی پس از آن که انقلاب پیروز شده بود، استالین نسبت به کمونیست‌های چینی مشکوک مانده بود. مائوتسه دون گفت، با وجود این، همه‌ی ما به اصول انقلابی صادق ماندیم و اگر تردید می‌کردیم و نامصمم بودیم، همه‌ی ما به احتمال فراوان تا به حال مرده بودیم.

پس از آن، مائوتسه دون به توصیف کلی نقشی که استالین بازی کرد پرداخت. او گفت استالین بدون شک یک مارکسیست بزرگ بود، یک انقلابی خوب و صادق. با این حال، او در طول سال‌های طولانی کار دولتی

تعدادی اشتباه بزرگ و سنگین انجام داد که خروشچف به آن‌ها در گزارش خود اشاره داشته. مائوتسه دون گفت، این اشتباهات عمده را به هفت دسته می‌توان تقسیم کرد:

- (۱) سرکوب‌های غیرقانونی
- (۲) اشتباهاتی که در طول جنگ، به خصوص در آغاز، و نه پایان جنگ، داشت.
- (۳) اشتباهاتی که به طور جدی وحدت طبقه‌ی کارگر و دهقان‌ها را تحلیل برد. مائوتسه دون اشاره کرد این دسته از اشتباهات، به خصوص سیاست شوم نسبت به دهقان‌ها، بین رفقا خروشچف و ژو دو در طول دیدارشان در مسکو بحث شده است.^{۲۸}
- (۴) اشتباهات در سیاست مربوط به ملیت‌ها که منجر به اسکان مجدد برخی ملیت‌ها و مانند آن شد. مائوتسه دون گفت، هر چند که به طور کلی سیاست مربوط به ملیت‌ها درست بود.
- (۵) انحراف از اصل رهبری جمعی، خودپسندی و چاپلوسی‌های بسیار زیاد در رهبری.
- (۶) شیوه‌ی اقتدارگرایانه در رهبری.
- (۷) اشتباهات جدی در سیاست خارجی (یوگسلاوی، و غیره).

پس از آن، مائوتسه دون تأکید کرد، به طور کلی، جنبش کمونیستی پیروزی‌های بزرگی داشته است. صرف رشد جمعیت اردوگاه سوسیالیستی از ۲۰۰ میلیون نفر به ۹۰۰ میلیون نفر گویاست. با این حال، با وجود آن که برخی کشورها با موفقیت رو به جلو می‌روند، برخی احزاب اشتباهات خودشان را مرتکب شدند. او ادامه داد، این و اشتباهات دیگر ممکن است در آینده نیز رخ دهد. من اشاره کردم امیدوارم هیچ کس اشتباهات استالین را تکرار نکند، و مائوتسه دون گفت ما نمی‌توانیم امکان چنین اشتباهاتی را منتفی بدانیم. اشتباهاتی از این دست از منظر ماتریالیسم دیالکتیکی قابل توضیح هستند چرا که ما می‌دانیم که پیشرفت هر جامعه وابسته به مبارزه بین تضادها، مبارزه بین قدیم و جدید، بین چیزی که تازه دارد ظاهر می‌شود و آنچه که دارد می‌میرد است. مائوتسه دون گفت، ذهن ما هنوز با تعصبات گذشته پر است، در نتیجه از جهان مادی که دائماً در حال تحول است، از خود زندگی، عقب می‌افتد.

مائوتسه دون ادامه داد، در کشورهای ما چیزهای زیادی از قدیم، از جامعه‌ی کاپیتالیستی، باقی مانده است. برای مثال، کیفر بدنی متهم. این مشکل برای چین هم تازگی ندارد. از ۱۹۳۰ کتک زدن در بازجویی‌های ارتش سرخ چین به طرز گسترده اجرا می‌شد. مائوتسه دون گفت، من خودم با چشمان خودم دیدم چه طور متهمان در طول این بازجویی‌ها کتک می‌خورند. تصویب شد که مجازات بدنی ممنوع شود. این ممنوعیت حتی در ینان هم نقض شد، هرچند ما کوشش کردیم از اعدام‌های غیرقانونی ممانعت به عمل آوریم. بعد از اعلامیه‌ی تشکیل PRC^{xiii} ما به کوشش‌هایمان افزودیم تا از این رویه‌ی کثیف ممانعت کنیم. مائوتسه دون ادامه داد، کاملاً

^{xiii} People's Republic of China [جمهوری خلق چین]

واضح است کسی که کتک زده می‌شود شروع به دادن اطلاعات غلط می‌کند، در حالی که بازجو باور دارد که طرف دارد حقیقت را می‌گوید. این و رسوبات دیگری از گذشته‌ی بورژوازی برای مدتی در روان آدمی باقی می‌ماند. عشق به شکوه، تظاهر و سالگردهای مجلل باقی‌مانده‌های روان‌شناسی بورژوازی هستند، چرا که فقیرترین دهقانان و کارگران به‌طور عینی با این عادت‌ها و این روان‌شناسی غریبه هستند. مائوتسه دون گفت، حضور این فاکتور و فاکتورهای دیگر خاک حاصلخیزی است برای سربلند کردن انواع خطاهایی که احزاب کمونیست باید با آن دست‌وپنجه نرم کنند.

من اشاره کردم دلیل اصلی اشتباهات استالین کیش شخصیت بود، هم‌جوار شدن با مقدس‌پنداری. در همراهی با من مائوتسه دون گفت اشتباهات استالین تدریجاً روی هم انباشته شد، و با گذشت زمان شتاب گرفت. افزون بر این، او اشتباهات خود را نپذیرفت درحالی‌که همه می‌دانیم اشتباه کردن انسانی است. مائوتسه دون به من گفت چه‌طور یک بار وقتی داشته یادداشت‌های لنین را واری می‌کرده متوجه شده است که حتی لنین هم برخی از جملات را در آثارش خط می‌زده و بازنویسی می‌کرده است. مائوتسه دون با خلاصه کردن شخصیت استالین یک بار دیگر گفت استالین اساساً بر حق بود هرچند که در موارد ویژه‌ای اشتباه کرد. به‌طور کلی، او تأکید کرد که به‌شدت از مسائل مطرح شده در کنگره متأثر شده است. او گفت که روحیه‌ی انتقاد و انتقاد از خود و هم‌چنین جوی که پس از کنگره به وجود آمد، به ما کمک می‌کند تا عیان‌تر درباره بسیاری چیزها صحبت کنیم. CPSU کار خوبی کرد که همه‌ی این مشکلات را در دستورجلسه خود قرار داد. مائوتسه دون گفت که این برای ما بسیار دشوار می‌بود که آغازگر همه‌ی این چیزها باشیم. مائوتسه دون به من درباره‌ی برنامه‌اش برای تداوم بحث درباره این مشکلات در طول سفر رفیق میکویان و اگر ممکن باشد با رفیق خروشچف و بولگانین گفت.

بعد از آن مائوتسه دون این موضوع را کنار گذاشت و با علاقه شروع به صحبت در مورد برخی مسائل فلسفی کرد (مبارزه بین ماتریالیسم و ایدئالیسم، وغیره). او به‌ویژه اشاره کرد نباید فرض کرد که یک جامعه‌ی کمونیستی به‌طور کامل از هر گونه تضاد، مبارزه‌ی ایدئولوژیک و همه نوع تشبه به نیاکان خالی است. مائوتسه دون گفت یک جامعه‌ی کمونیستی هم مردم خوب دارد و هم بد. پس از آن او گفت کار ایدئولوژیک در چین هنوز از دگماتیسم و کمبود ایده‌های اصیل زجر می‌کشد. برای مثال مطبوعات چینی هنوز در حد و اندازه‌ی تقاضای امروزی نشده است. در مطبوعات نه رقابت بر سر ایده‌ها و نه مباحث جدی تئوریک وجود دارد. با توجه به این که زمان این دیدار رو به پایان بود مائوتسه دون به من گفت که خوشحال می‌شود دوباره با من دیدار داشته باشد و در مورد برخی موارد خاص فلسفه‌پردازی کند.

در پایان مکالمه‌مان من از مائوتسه دون پرسیدم آیا او سرمقاله‌ی «پراودا» را درباره‌ی ضربه‌ای که کیش شخصیت زده است،^{۲۹} سرمقاله‌ای که ترجمه‌اش در شماره ۳۰ مارچ «رنمین ریباؤ» منتشر شد، خوانده است. او گفت که او مقاله را نخوانده است ولی به او گفته شده که مقاله بسیار خوبی است. مائوتسه دون گفت که رنمین

ریبائو درباره این مسأله سرمقاله خواهد نوشت.^{۳۰} او شوخی کرد که از ۱۶ مارس همه‌ی روزنامه‌ها در دنیا دارند درباره‌ی این موضوع سروصدا می‌کنند و این تنها چین بوده که تا به حال سکوت کرده است. پس از آن من درباره‌ی ورود ۱۶ محقق شوروی به چین و آغاز به کار یک کنفرانس تئوریک در همین امروز در بیستمین کنگره در کلوب متخصصین شوروی صحبت کردم. این کنفرانس با حضور دانشمندان شوروی و چین برگزار خواهد شد.

مائوتسه دون به همه‌ی این موارد با علاقه‌ی زیاد گوش سپرد.

ما برای سه ساعت حرف زدیم، مائوتسه دون سر حال بود و تمام وقت شوخی می‌کرد.

در این مکالمه یانگ شان کون، معاون مدیر کل کمیته‌ی مرکزی CPC، شی ژه، رئیس اداره‌ی ترجمه کمیته‌ی مرکزی CPC، و تی اف اسکورتسوف، مشاور سفارت شوروی در جمهوری خلق حضور داشتند.

پ. یودین

سفیر شوروی در جمهوری خلق چین

CDSC. برگ ۵، لیست ۳۰، فایل ۱۶۳، صفحات ۸۸-۹۹. متن تایپ شده، اصل، امضا شده با دست خط

پی‌نوشت‌ها

مهدی گنجوی دانش‌آموخته‌ی حقوق بین‌الملل و مطالعات خاورمیانه، اکنون دانشجوی دکترا در دپارتمان مدیریت، آموزش عالی و بزرگسالان در دانشگاه تورنتو است. ترجمه‌ی این سند بخشی از پروژه‌ی «ترجمه و دگرسازی» (Transformation and Translation) است که وی در آن تحت نظارت پروفیسور شهرزاد مجاب به ترجمه‌ی اسناد و متون کلیدی و نیز مصاحبه با اندیشمندان در حوزه‌ی ماتریالیسم تاریخی، مارکسیسم و فمینیسم، استعمار، امپریالیسم و آموزش انتقادی می‌پردازد. غیر از آنچه در بالا آمد تاکنون در این پروژه کتاب درباره‌ی مارکس، اثر پالا آلمن، ترجمه شده است و مصاحبه‌هایی با متفکرین مارکسیست و ضداستعماری معاصر از جمله پیتر لاین با (Linebaugh Peter)، نگوگی وا تینوگو (Thingo wa Ngugi) و هیمانی بنرجی (Bannerji Himani) صورت گرفته است.

۱ مائوتسه دون، منتخب آثار، مسکو، جلد ۴، ۱۹۵۳، صص ۴۰۴ - ۳۲۱.

۲

وان مین Ming Wang (۱۹۷۴ - ۱۹۰۴). عضو اداره سیاسی کمیته‌ی مرکزی CPC بین ۱۹۴۵ - ۱۹۳۱؛ رئیس شعبه CPC در کمیترن بین ۱۹۳۷ - ۱۹۳۱.

۳ لی لیسان Lisan Li (۱۹۶۶ - ۱۹۰۰). عضو اداره سیاسی کمیته‌ی مرکزی CPC در ۱۹۳۰ - ۱۹۲۸. پس از فراخواندنش به مسکو در اواخر ۱۹۳۰ دیگر اثری جدی بر روی سیاست‌های کمیترن ایفا نکرد.

۴ میف، پی ای A.P. Mif (۱۹۳۷ - ۱۹۰۱). اولین معاون رئیس دبیر شرقی کمیته‌ی اجرایی انترناسیونال کمونیست، ECCI (رئیس - او وی کوسینین V.O. Kuusinen) در ۱۹۳۶ - ۱۹۲۷. او به‌طور غیرقانونی در ۱۹۳۷ پاکسازی شد. پس از مرگش از او اعاده حیثیت گردید.

۵ وان مین در ۱۹۲۹ وارد چین شد. میف در نوامبر ۱۹۳۰.

۶ در متن چنین آمده است.

۷ اداره‌ی کمیته‌ی مرکزی CPC در چانگ‌جینگ.

۸ هفتمین کنگره‌ی کل کشوری CPC بین ۲۳ آوریل و ۱۱ ژوئن ۱۹۴۵ در یانان برگزار شد.

۹ زینوویف (رادومیسلسکی)، جی. وای. Y.G., (Radomislky) Zinoviev. (۱۹۳۶-۱۸۸۳). رئیس کمیته‌ی اجرایی کمیترن در ۱۹۲۶ - ۱۹۱۹.

۱۰ یوخارین، ان. آی. I. N, Bukharin. (۱۹۳۸ - ۱۸۸۸). عضو کمیته‌ی اجرایی کمیترن در ۱۹۲۹ - ۱۹۱۹. بعد از آن که زینوویف از پست ریاست ECCI کنار گذاشته شد، او کار کمیترن را راهبری می‌کرد.

۱۱ پیاتنیتسکی (تارشیس)، آی. ای. A.I., (Tarshis) Pianitsky. (۱۹۳۸ - ۱۸۸۲). عضو ECCI [کمیته‌ی اجرایی انترناسیونال کمونیست] از ۱۹۲۱، دبیر ECCI از ۱۹۲۳، عضو ECCI از ۱۹۲۸.

۱۲ جورجی دیمیتروف Dimitrov Georgi (۱۹۴۹ - ۱۸۸۲). عضو فاقد رای IECC از ۱۹۲۴، عضو هیات رئیسه ECCI از ۱۹۳۴. در ۱۹۴۳-۱۹۳۵ دبیر کل ECCI. در ۱۹۴۳ - ۱۹۳۶ بر کار CPC در ECCI نظارت می‌کرد.

۱۳ متن این تلگرام و سایر اسنادی که موضع استالین را درباره‌ی چین در ۱۹۴۵ نشان دهد هنوز منتشر نشده است.

۱۴ ژیانگ ژیشی Jeishi Jiang (۱۹۷۵ - ۱۸۸۷). رهبر آن زمان گومیندان.

۱۵ اسنادی که این مسأله را تأیید کنند هنوز منتشر نشده‌اند.

۱۶ معاهده‌ی چین - شوروی در ۱۴ اوت ۱۹۴۵.

۱۷ میکویان، ای. آی. I. A, Mikoyan. (۱۹۷۸ - ۱۸۹۵). عضو اداره‌ی سیاسی حزب کمونیست شوروی، وزیر تجارت خارجه.

۱۸ کولف، ای. وی. V. I, Kovalev. (۱۹۹۳ - ۱۹۰۱). رئیس تیم کارشناسان در زمینه‌ی اقتصاد چین در ۱۹۴۹ - ۱۹۴۸، نماینده‌ی حزب کمونیست شوروی در کمیته‌ی مرکزی CPC.

۱۹ فدورنکو، ان. تی. T. N, Fedorenko. (۲۰۰۰ - ۱۹۱۲). دیپلمات در ۱۹۶۸ - ۱۹۳۸، شرق‌شناس مطرح شوروی.

۲۰ مصاحبه با مائوتسه دون، رئیس حکومت مرکزی خلق در جمهوری خلق چین، با یک خبرنگار TASS، پراودا، ۲ ژانویه ۱۹۵۰.

۲۱ مالنکوف، جی. ام. M. G, Malenkov. (۱۹۸۸ - ۱۹۰۲). عضو اداره‌ی سیاسی کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست شوروی، نایب رئیس شورای وزیران شوروی در آن زمان.

۲۲ مولوتوف (اسکریابین)، وی. ام. M. V. (Skryabin) Molotov, (۱۹۰۶ - ۱۸۹۰). عضو اداره‌ی سیاسی کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست شوروی، اولین نایب رئیس شورای وزیران شوروی.

۲۳ بولگانین، ان. ای. A. N. Bulganin, (۱۹۷۵ - ۱۸۹۵). در آن زمان وزیر دفاع شوروی.

۲۴ کاگانویچ، ال. ام. M. L. Kaganovich, (۱۹۹۰ - ۱۸۹۳). عضو اداره‌ی سیاسی کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست شوروی، نایب رئیس شورای وزیران در آن زمان.

۲۵ بریا، ال. پی. P. L. Beria, (۱۹۵۳ - ۱۸۹۹). عضو اداره‌ی سیاسی کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست شوروی، نایب رئیس شورای وزیران در آن زمان.

۲۶ چهار شرکت سهامی مشترک که بر اساس یک قرارداد بین حکومتی امضا شده در ۲۷ مارس ۱۹۵۰ تأسیس شدند. بر طبق قراردادی که در ۱۲ اکتبر ۱۹۵۴ امضا شد سهم شوروی به PRC منتقل گردید.

۲۷ گزارشی درباره‌ی وضعیت در چین که آی وی کوولف در اواخر ۱۹۴۹ به استالین رساند. استالین در حین دیدار مائوتسه دون متن این گزارش را به او داد.

۲۸ ژو دو De Zhu (۱۹۷۹ - ۱۸۸۶)، یکی از مؤسسان نیروهای مسلح چین، عضو اداره سیاسی کمیته‌ی مرکزی CPC؛ هیأت نمایندگی CPC را به بیستمین کنگره CPSU او رهبری می کرد.

۲۹ مقاله‌ی «چرا کیش شخصیت با روح مارکسیسم - لنینیسم بیگانه است؟»، پراودا Pravda، ۲۸ مارس ۱۹۵۶

۳۰ مقاله‌ی «درباره‌ی رویه‌ی تاریخی دیکتاتوری پرولتاریا»، رنمین ریباو Rib Renminao، ۵ آوریل ۱۹۵۶